



مسأله قدس و صلح فلسطینی - اسرائیلی

بخش سیاسی

چکیده

از پاییز سال ۱۳۷۸ مذاکرات موسوم به تعیین وضعیت نهایی مابین هیأت‌های مذاکره کننده فلسطینی و اسرائیلی آغاز شد. یکی از چهار موضوع مهم این مذاکرات مسأله قدس و آینده این شهر بود، در اهمیت فوق العاده این شهر برای پیروان ادیان مختلف، تردیدی نیست و همین امر چشم انداز حل قضیه را دشوار تر و مبهم تر می کند، در این نوشتار ضمن بررسی اهمیت و موقعیت قدس و مذاکرات صلح، وضعیت کنونی مسأله در مذاکرات مطرح و احتمالات مختلف در مورد ارائه راه‌حلهای نهایی برای آن بیان می شود.

قدس و اهمیت آن

شهر بیت المقدس با سابقه تاریخی نزدیک به پنج هزار سال یکی از باستانی ترین شهرهای مسکونی جهان است. (۱) این شهر در گذشته محل حکومت اقوام و طوایف بسیار و حضور آیین‌ها و ادیان مختلف بوده است.

از دیدگاه مسلمانان، قدس پیش از کعبه قبله اول مسلمین و همچنین دیوار براق (ندبه) محل عروج و آغاز معراج پیامبر بوده است افزون بر این روایات بسیاری به تقدس و عظمت مذهبی این شهر اشاره کرده است. به جز مسجدالاقصی (قبله اول) که شامل مسجدالصخره و مسجدالاقصی است، بناهای مقدس بسیاری در این شهر وجود دارد. (۲)

امروزه مسلمانان مسجدالاقصی را سومین مکان مقدس (بعد از مکه و مدینه) به شمار می‌آورند.

در میان مسیحیان نیز قدس جایگاه مهمی دارد. مسیح (ع) در بیت لحم (نزدیک قدس) متولد شده است و قدیمی‌ترین کلیساها و قبور بزرگان دین مسیح در بخش قدیمی شهر قدس قرار دارد و در زمره اراضی مقدس محسوب می‌شود.

از دیدگاه یهودیان، قدس «قلب ملت یهود» لقب گرفته و نماد حکومت اسرائیل باستانی است. یهودیان معتقدند که تاریخ قدس از سه هزار سال پیش و زمان داود پیامبر آغاز می‌شود که هیکل (معبد) سلیمان را در آنجا ساخته بود. بسیاری از یهودیان هنوز معتقدند که این معبد باید تجدید بنا شود. جنبش صهیونیسم، که به وجود آورنده حکومت اسرائیل است. نام خود را از کوه صهیون* در این شهر بر گرفته است. بعد از مهاجرت یهودیان به فلسطین، در دست گرفتن قدس، همواره از اهداف آنها به شمار می‌رفت. در دوران قیمومت انگلیس، به دلیل ترس این کشور از واکنش مسلمانان، یهودیان فقط به اسکان در بخشهایی از شهر و حوالی آن اجازه یافتند.

شهر کنونی بیت المقدس از دو بخش قدیم و جدید تشکیل شده است. بخش قدیمی که حصاری دور تا دور آن وجود دارد، در بردارنده اماکن مقدس است و شامل چهار محله مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و ارمنیان است. (۳)

بخش جدید که از نظر معماری و بافت شهری مدرن به شمار می‌رود نیز دارای محله‌های فلسطینی نشین در قدس شرقی است که از نظر ساختمان سازی و معماری با نقاط یهودی نشین فرق دارد.

پس از خروج بریتانیا از فلسطین و تصمیم سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین

* Etzion

وضعیت قدس به صورتی خاص* (منطقه‌ای که تحت نظر سازمان ملل اداره می‌شد و از هر دو کشور مذکور، اسرائیلی و فلسطینی مجزا بود) در می‌آمد. امری که موجب مخالفت فلسطینیان و اعراب شد. (۴)

در نتیجه مخالفت مسلمانان و کشورهای عربی و اسلامی با این تقسیم ناعادلانه، جنگ اعراب و اسرائیل آغاز شد و بخش غربی قدس به اشغال اسرائیل در آمد. در جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل تمامی کرانه باختری رود اردن، قدس و بلندیهای جولان و صحرای سینار را به تصرف خود درآورد. بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل، (قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت) قدس شرقی منطقه‌ای اشغالی است که باید هر چه سریعتر تخلیه شود. (۵)

قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت در مورد تصمیم به پایتخت اعلام کردن قدس (سال ۱۹۸۰) توسط اسرائیل، این امر را مغایر حقوق بین‌الملل دانست و بر این نکته تأکید کرد که همچنان کنوانسیون چهارم ژنو (در مناطق اشغالی) در مورد قدس قطعیت دارد. شورا همچنین از کشورهایی که هیأت دیپلماتیک به قدس اعزام کرده‌اند، خواست تاهیات‌های خود را فراخوانند. قطعنامه ۹۰۴ (۱۸ مارس ۱۹۹۴) بار دیگر مفاد قطعنامه ۴۷۸ را تأیید کرد. (۶) قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت (بعداز گشایس تونل در کنار حرم شریف و درگیری فلسطینیان و نیروهای اسرائیل که دهها کشته و زخمی بر جای گذاشت) در ۱۹۹۶ همه قطعنامه‌های پیشین خود را در مورد قدس بار دیگر قابل اجرا و جاری دانست. (قطعنامه ۱۰۳۷) بنابراین از دیدگاه سازمان ملل قدس همچنان منطقه اشغالی و تابع قوانین مربوط به اشغال در حقوق بین‌الملل است.

* Corpus Separatum

مذاکرات صلح فلسطینی - اسرائیلی

اسرائیلیها از همان ابتدای مذاکرات سازش، امکان مذاکره بر سر قدس را رد کردند. فلسطینیان نیز نمی توانستند از قدس صرف نظر کنند، از این رو طرف اسرائیلی برای ادامه یافتن مذاکرات مسأله وضعیت قدس را به مذاکرات نهایی موکول کرد. از این زمان به بعد، تلاش اسرائیل مصروف تشدید و ادامه سیاست های سابق در مورد این شهر شد. پس از شروع مذاکرات اسلو، تصمیم اسرائیل حل این مسأله قبل از آغاز مذاکرات نهایی و انضمام و الحاق کامل آن به اراضی اشغالی بود. اسحاق رابین، نخست وزیر مقتول، در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۳ در کمیته دفاع و امور خارجه کنست گفت: «خودگردانی فلسطینی شامل قدس نخواهد شد.» این در حالی بود که وضعیت قدس جزو موضوعات قابل مذاکره قرار گرفته بود.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر سابق، نیز در نطق پیروزی خود بعد از انتخابات (۲ ژوئن ۱۹۹۶) گفت: «دولت من، هر تلاشی را برای از بین بردن یکپارچگی قدس عقیم خواهد ساخت و از عملی که مخالف حاکمیت یگانه اسرائیل بر آن شهر باشد جلوگیری خواهد کرد.» (۷) این بیان واضح استراتژی و سیاست کلی اسرائیل در قبال این شهر بود.

سیاست اسرائیل در قبال قدس

از سال ۱۹۶۷ اهداف اسرائیل در قدس ایجاد وضعیت برگشت ناپذیر و کنترل انحصاری بر شهر بوده و این سیاست همواره تاکنون ادامه یافته است. سیاست مذکور در دو سطح محلی و ملی اجرا شده است. این امر در واقع به این معناست که ضمن ایجاد تسلط فیزیکی بر شهر، مخالفت داخلی و خارجی و بین المللی با این اقدامات به حداقل ممکن تقلیل یابد.

در سطح محلی برای ایجاد تمامیت جغرافیایی برای قدس و برتری جمعیتی به نفع یهودیان در شهر، گسترده‌ای صورت گرفت. برای این هدف دو دسته فعالیت به کار گرفته شد: ۱- کوشش برای جداسازی قدس شرقی از بقیه مناطق کرانه غربی. ۲- ایجاد شهری با اکثریت کامل یهودی از طریق گسترش شهرک نشینی. روشهایی که اسرائیل برای ایجاد و یکپارچگی جغرافیایی و جداسازی قدس از دیگر نقاط فلسطینی به کار گرفته است از این قرار است:

۱- شهرک سازی:

به منظور تغییر ساختار جمعیت، اسرائیل ساختن حدود ۱۵ شهرک در داخل و اطراف قدس را طراحی کرده است. این اقدام زنجیری از شهرک‌های یهودی نشین به دور قدس می‌کشد. این شهرک‌ها در چهار فاز طراحی و اجرا شده است. در فاز اول که بلافاصله بعد از پایان جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شروع شد، عمدتاً مناطقی در شهر کهن و اطراف کوه Scopus را شامل می‌شد. در روز ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ کنست به حکومت اجازه داد «قوانین، حقوق و حاکمیت اسرائیل به کل اراضی سرزمین اشغالی ترم می‌یابد» و این امر بهانه‌ای به ظاهر قانونی برای همه اقدامات بعدی در قسمت شرقی شهر فراهم آورد. روز بعد از آن ۷۱۰۰۰ دونم (۸) از مناطق اشغالی ضمیمه اسرائیل شد و تحت حاکمیت شهرداری قدس - تحت اختیار یهودیان - قرار گرفت. (۹) همزمان با شهرک سازی و گسترش ساخت و ساز در قدس شرقی، ایجاد و گسترش شهرک‌های موسوم به بیت‌المقدس بزرگ، نشانگر آن بود که اسرائیل می‌کوشد شهر را از شمال به رام... و از جنوب به بیت‌لحم متصل نماید.

در فاز دوم شهرک سازی (دهه ۱۹۷۰) شهرک‌های عاتاروت و راموت آلون در شمال؛ گیلو در جنوب؛ تالیپوت شرقی و یوه یا عاکوو در شرق و شمال شرقی تأسیس شد. هدف این پروژه‌ها، اتصال شهرک‌های حفاصل بیت‌لحم و کرانه غربی به یکدیگر بود. این

شهرک‌ها، مناطق مسکونی یهودیان را که در نزدیکی‌های رام‌آ... و دیگر نقاط کرانه غربی ساخته شده بودند به هم متصل می‌کرد.

فاز سوم با هدف تحکیم کنترل بخش شمال غربی شهرک‌ها و اتصال نوه یا عاکوو به فرودگاه کالندیا و شهرک جدید در کرانه غربی و بیت المقدس (بزرگتر) و پیسگات زعو بود. این پروژه در اوایل دهه ۱۹۸۰ به اجرا درآمد. در سال ۱۹۹۰ پروژه‌هایی برای تکمیل تضمین تمامیت جغرافیایی برای مرزهای جدید بعد از ۱۹۶۷ به اجرا درآمد. شهرک رخص شعفاط، شکاف موجود بین راموت (در قدس غربی) و رامات اشکول را پر می‌کرد. همچنین پروژه عظیم هاروما در محل جبل ابو غنیم در فاصله قدس تا بیت لحم برای از بین بردن باقیمانده مناطق سبز* فعالیت خویش را آغاز نمود. هاروما شامل ۶۵۰۰ واحد مسکونی در ۸۵/۱ دونم از اراضی مصادره شده از ساکنان فلسطینی ام‌طوبی، سورباهر و بیت ساحور است و انتظار می‌رود حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار شهرک‌نشین یهودی افراطی (حاریدیم) در آن ساکن شوند. هاروما آخرین شهرک کلیدی در مجمع‌الجزایر اسرائیلی در اطراف قدس شرقی است. (۱۰)

استراتژی جغرافیایی اسرائیل در قدس برای تکمیل برنامه‌های شهرک‌سازی شامل سه بخش است:

۱- پیشنهاد ساخت ۲۰۰۰ واحد مسکونی در تپه فرودگاه در غرب هاروما و نزدیک گیلو.

۲- ساخت مرحله دوم هاروما که تا شرق و داخل کیریات مزوربیه کشیده می‌شود.

۳- ساخت جاده جدیدی که از بیت لحم می‌گذرد و بیت ساحور و بیت جالا را به هم متصل می‌کند و مرزهای جنوبی محدوده شهرداری مورد قبول اسرائیلیها برای قدس را مشخص می‌کند. جاده مذکور مسیرهای آمد و رفت کافی برای اتصال این شهرک‌ها و

* مناطق سبز نقاطی در شهر هستند که بر حسب ناحیه بندی اسرائیل ساخت و ساز مجاز نمی‌باشد.

زیربنای تجاری آنها با یکدیگر و با دیگر بخشهای قدس را فراهم می‌کند. (۱۱)

۲- مصادره و کنترل اراضی:

کنترل زمینهای بایر یا بلا استفاده در بیت المقدس یکی از اهداف اصلی اسراییل در منطقه‌بندی این شهر است. اسراییلیها در منطقه‌بندی اعلام شده، نقاط غیر مسکونی فلسطینی‌ها را مناطق سبز اعلام کردند تا مانع از خانه‌سازی فلسطینی‌ها شوند. بر اساس نظر خلیل تفکجی، جغرافیدان فلسطینی، توزیع اراضی در بیت المقدس شرقی از این قرا راست: ۳۴ درصد مصادره برای استفاده عمومی ۴۰ درصد مناطق سبز، ۶ درصد راهها و خطوط مواصلاتی، ۳ درصد اراضی توقیف شده و ۱۰ درصد برای استفاده فلسطینی‌ها. ۷ درصد باقیمانده (که در این نقاط نیز ساخت و ساز مجاز نیست) ده درصدی که برای استفاده فلسطینی‌هاست نیز متعاقباً مورد استفاده قرار خواهد گرفت. (۱۲) برنامه‌ریزان اسراییل با منطقه‌بندی مذکور ضمن محدود کردن رشد فلسطینی‌ها، این نقاط را برای زمانی که مورد استفاده قرار گیرد، حفظ می‌کنند.

مصادره اراضی نیز یکی از اصلی‌ترین ابزارهای اسراییل برای تسلط بر شهر بوده است. از سال ۱۹۶۷ در ۵ فاز مهم، مصادره صورت گرفته است. فاز اول در پایان جنگ ۱۹۶۷ و با مصادره ۱۲۰۰ دونم زمین در شهر قدیمی رخ داد و طی آنها ۵ هزار نفر، خانه و اموالشان را از دست دادند. در فاز دوم (ژانویه ۱۹۶۷) چهار هزار دونم از املاک اصلی فلسطینیان در همسایگی قدس و روستاهای شیخ جراح، شعفاط، لفته و عیسویه اشغال شد. در فاز سوم (اوایل دهه ۱۹۷۰) ۱۴۰۰۰ دونم از مالحه، سور باهر، بیت جالا و همچنین زمینهای بیشتری از لفته و شعفاط مصادره شد. فاز چهارم (مارس ۱۹۸۰) با مصادره ۴۵۰۰ دونم از بیت حنیفه و حزمه آغاز شد. آخرین فاز در ۱۹۹۱، با مصادره دو هزار دونم از امطوبی، سور باهر، بیت ساحور، بیت لحم، بیت صفافا و بیت جالا به پایان رسید. (۱۳)

۳- ممانعت از توسعه مناطق فلسطینی نشین:

شهرداری قدس با صدور دستورالعمل‌های تبعیض آمیز، سعی در جلوگیری از خانه‌سازی و توسعه نقاط فلسطینی دارد.

از زمان پایان جنگ ژوئن، خانه‌سازی فلسطینی‌ها به تصویب مقامات اسرائیلی منوط شده و شهرداری قدس در اکثر موارد از این کار ممانعت کرده است. با وجود رشد جمعیتی یهودیان قدس شرقی به حدود دویست هزار نفر، تنها اجازه ساخت ۳۰۰۰ واحد مسکونی به فلسطینی‌ها داده شده است. این امر امروزه به بحران مسکن برای فلسطینی‌ها منجر شده است. امروز برای سکونت فلسطینیان ساکن قدس، حدود ۲۶۰۰۰ واحد مسکونی مورد نیاز خواهد بود. ساخت و ساز برای فلسطینی‌ها هم به طور افقی و هم بطور عمودی کاملاً محدود شده است.

در حالی که فلسطینی‌ها اجازه حداکثر ساخت دو طبقه را دارند یهودیان مجاز به ساختن خانه‌های هشت طبقه‌اند. شهرداری قدس برای صدور پروانه ساخت از فلسطینیان ۱۵۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ دلار می‌خواهد در حالی که به خانه‌سازی یهودیان وام‌های ارزان تعلق می‌گیرد. آنها همچنین از ۵ سال معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند. در یک سند شهرداری در مورد فعالیت‌های ساختمان سازی در قدس در ۱۹۷۸ نوشته شده است: هر ناحیه‌ایی از شهر که تحت سکونت یهودیان نباشد خطری برای جدایی از اسرائیل و انتقال به مناطق تحت کنترل اعراب است. از این رو اصل فعالیت‌های اداری مربوط به منطقه تحت صلاحیت شهرداری، در عمل به ساختمان سازی در همه قسمت‌های ناحیه و با شروع از دورترین بخش‌های ناحیه تبدیل شده است. (۱۴)

فیصل الحسینی مسؤول امور قدس در تشکیلات خودگردان برای محاصره قدس از سوی اسرائیل ۳ هدف عمده ذکر می‌کند: ۱- از بین بردن هویت تثبیت شده فلسطینی و

حضور و فعالیت آنها در قدس. ۲- محدود کردن شهر از ارتباط با محیط فلسطینی به وسیله جدا کردن آن از فلسطینیانی که در اطراف شهر زندگی می کنند. ۳- ایجاد تصویر ذهنی برای جهانیان که قدس را بدون فلسطینی ها تصور کنند (انزوای بین المللی قدس)، (۱۵)

رژیم صهیونیستی برای حفظ اکثریت یهودیان در قدس (قدس شرقی) سیاست هایی را در پیش گرفته است که عبارتند از:

۱- تشویق مهاجرت یهودیان به قدس: از سال ۱۹۸۱، حدود ۸۳ درصد سرمایه گذاری حکومت اسرائیل در سرزمینهای اشغالی به خانه سازی در قدس و اطراف آن و تل آویو اختصاص یافته است. در طول این سالها دولت اسرائیل خانه های یارانه ای و ارزان قیمت برای بیش از ۷۰/۰۰۰ خانوار یهودی فراهم کرده است. با فروپاشی شوروی و روانه شدن سیل مهاجران یهودی به اسرائیل و آغاز روند سازش، دولت اسکان یهودیان در قدس را در اولویت قرار داد و طرح هایی از جمله طرح ۵ ساله (تثبیت موقعیت یهودیان در قدس بزرگ و فراهم ساختن زمینه پایتخت شدن) که احداث ۲۶ شهرک و ۴ هزار واحد مسکونی را در ۳۳۴۵ هکتار زمین اشغالی در برداشت، به اجرا گذارد. همچنین دولت در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۰ دستور داد تا ۵ هزار خانه در قدس، ظرف یک سال (به جای ۲ هزار خانه پیش بینی شده) ساخته شود. (۱۶)

۲- تضييع حقوق سکونت فلسطینیان: نرخ رشد جمعیت فلسطینی نزدیک به سه برابر نرخ رشد جمعیت اسرائیلی ها است. مثلاً در سال ۱۹۹۴، این نرخ در میان فلسطینی ها ۳ درصد بود در حالی که نرخ مشابه در میان یهودیان ۱ درصد بود برای حفظ این نسبت اسرائیل به روشهای تبعیض آمیزی دست زده است تا تعدادی از اهالی فلسطینی شهر را از سکونت در آنجا محروم کند. یکی از این راهها، صدور کارت شناسایی آبی برای اهالی فلسطینی قدس است تا از ساکنان کرانه غربی متمایز شوند. این تمایز برای اسرائیل دو سودمندی دارد: اول؛ این دسته بندی و منافع همراه با سکونت در قدس، عاملی برای تمایز

و جداسازی فلسطینیان قدس از سایر فلسطینیان کرانه غربی می‌شود. دوم؛ به وزارت کشور این اجازه را می‌دهد تا فلسطینیان را از حق زیست خود در زادگاهشان محروم کند. طبق قانون «ورود به اسرائیل» اقامت در اسرائیل امتیازی است که با شرایط و محدودیت‌های بسیار تعلق می‌گیرد. از این رو وزارت کشور می‌تواند در مورد اعطای حق اقامت یا عدم آن به فلسطینیان تصمیم‌گیری کند. مقامات اسرائیل استدلال می‌کنند فلسطینی‌های ساکن قدس، در واقع «مقیم» در این شهرند. زیرا از نظر آنان، این شهر متعلق به اسرائیل است و ساکنان فلسطینی چون تابعیت اسرائیل را نگرفته‌اند یا به آنان تعلق نگرفته است از این رو «بومی» آنجا محسوب نمی‌شوند. مثلاً اهالی فلسطینی قدس اگر قصد مسافرت خارجی دارند باید ویزای اسرائیلی ورود مجدد بگیرند و عدم انجام این کار باعث لغو حق بازگشت فلسطینیان خواهد شد. علاوه بر این، ساکنان فلسطینی که ۷ سال خارج از این شهر زندگی کرده‌اند خود به خود حق اقامت را از دست می‌دهند. حق اقامت دائم نیز، به فرزندان شهروندان منتقل نمی‌شود. فلسطینیانی که با همسرانی از دیگر نقاط اشغالی ازدواج می‌کنند، برای اقامت خانواده در قدس باید تقاضانامه پر کنند. همچنین وزارت کشور تنها کودکانی را به عنوان ساکن می‌پذیرد که پدرشان کارت شناسایی صادر شده توسط اشغالگران را داشته باشد. (۱۷)

تلاش اسرائیل در سطح ملی و بین‌المللی در قبال قدس

در کنار فعالیت برای تغییر وضعیت موجود در قدس و یهودی‌سازی آن، دولت اسرائیل و لابی صهیونیستی در سراسر جهان تلاش می‌کنند تا از قدس چهره‌ای یهودی و اسرائیلی ارائه دهند. مورخین همواره به حضور چندین هزار ساله یهودیان در قدس اشاره کرده و مدعی‌اند که بازگشت به سرزمین اسرائیل باستانی حق همه یهودیان است و مسلمین و فلسطینی‌ها که اینک در خاک اسرائیل ساکنند، آنجا را غصب کرده‌اند.

نشریات صهیونیستی و متون تاریخی، دفترچه‌های راهنما و نقشه‌ها و کتاب‌های راهنمای توریست‌ها، دائماً به تعداد کنیسه‌ها و سنگ قبرهای یهودیان در شهر کهن که اردنی‌ها در دوره ۱۹۶۷-۱۹۴۸ آنها را تخریب کرده‌اند اشاره می‌کنند. تلاش برای ارائه تصویری دمکراتیک از اسرائیل نیز بخشی از این تبلیغات است. این کار به اسرائیل این امکان را می‌دهد که خود را از تقبیح‌ها و محکومیت‌های بین‌المللی خلاص کند. اسرائیلی‌ها در تبلیغات خویش بر انتخابی بودن شهردار و اداره دموکراتیک آن توسط شورای شهر تأکید می‌کنند. این امر اعمال و رفتارهای تبعیض‌آمیز شهرداری را نسبت به فلسطینیان توجیه می‌کند، چرا که از دید ناظران، این عمل معمولی و بر طبق نیازهای شهر است. همچنین اسرائیل فلسطینیها را سرزنش می‌کند که چرا از حقوق دمکراتیک خودشان بهره نمی‌برند و برای انتخاب کردن و یا انتخاب شدن فعالیت نمی‌کنند. اما از آنجا که فلسطینیان در حسن نیت اشغالگران شک دارند، چنین فکر می‌کنند که مشارکت آنها هیچ حاصلی جز توجیه اعمال اسرائیل نخواهد داشت.

از سوی دیگر اسرائیل تلاش گسترده‌ای را به عمل آورده است تا قدس به عنوان پایتخت آن شناخته شود، البته تاکنون در این مورد توفیق چندانی حاصل نشده است، اما این کشور همواره کوشیده است تا با دادن امتیازاتی به برخی کشورهای فقیر، آنها را تشویق کند تا قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناسند. البته این تلاش، همان طور که گفته شد، به‌طور مداوم از سوی سازمان ملل و نهادهای وابسته محکوم شده است.

حکومت‌های اسرائیلی بعد از اسلو و قدس

به حکومت رسیدن اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ و امضای اعلامیه اصول در سپتامبر ۱۹۹۳ میان حکومت اسرائیل و ساف، که در آن به طور ضمنی وعده‌هایی مبنی بر توقف شهرک‌سازی داده شده بود، به رغم امیدهای اولیه ثمربخش نبود و شهرک‌سازی و

مصادره اراضی ادامه یافت. محور اصلی این فعالیتها قدس بود. البته رایین پیش از شروع مذاکرات اسلو آنچه را که «نبرد برای قدس» می‌نامید، آغاز کرده بود. او در فرمان ۳۶۰ که ظاهراً به ته‌قف شهرک‌سازی دعوت می‌کرد، قدس را از دایره شمول خارج کرد. به علاوه با حمایت از شهرک‌های جدید نظیر هار هوما و اجازه گسترش در پیسگات زعو و منطقه قدس بزرگ و با همکاری سازمان برنامه‌ریزی شهرداری قدس، طرح‌هایی برای ساخت دو جاده اصلی در اطراف بیت‌المقدس، برای جدا ساختن جوامع فلسطینی کرانه غربی از قدس و همزمان اتصال شهرک‌های قدس بزرگ به یکدیگر تصویب کرد.

در دسامبر ۱۹۹۲ حکومت رایین طرح شعوش* را تصویب کرد. این طرح که اسرائیل و سرزمینهای اشغالی را یکی می‌داند، برنامه‌های مورد نظر حکومت را برای توسعه مناطق، طبقه‌بندی می‌کند. در این طرح قدس جزء مناطق ممتاز ملی، یا منطقه A محسوب می‌شود که دارای تقدم است. در راستای اصول طرح مذکور، وزیر وقت خانه‌سازی و مسکن (بنیامین بن الیعزر)، شهرک‌سازی‌های بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ را نبردی برای «سرنوشت قدس» خواند، در مارس ۱۹۹۳ حکومت رایین انسداد عمومی را بر کرانه غربی و نوار غزه تحمیل کرد که به موجب آن، همه فلسطینیان برای ورود به قدس نیاز به اجازه رسمی داشتند. این انسداد مرزی جمعیت کرانه غربی و قدس را از یکدیگر جدا کرد. (۱۸) وی در ۴ مه ۱۹۹۵ اعلام کرد که در پنج سال آینده، اسرائیل، سی هزار واحد مسکونی در قدس خواهد ساخت. (۱۹)

ترور رایین و شکست پرز، نشانی از نامطلوب بودن صلح در داخل جامعه اسرائیل بود. نتانیاهو با افتتاح تونل زیر حرم الشریف مبارزه‌جویی و سرسختی‌اش را در قبال قدس به نمایش گذاشت. در دوره وی نیز علی‌رغم امضای قرارداد وای ریور (که در آن

* Sheeves

شهرک‌سازی منع شده بود) ایجاد تغییرات و شهرک‌سازی در قدس با قوت تمام ادامه یافت.

ایهود باراک نخست وزیر اسرائیل نیز، برخلاف اشتها به صلح طلبی، در جزء برنامه‌های انتخاباتی‌اش «دفاع از یکپارچگی بیت المقدس به عنوان پایتخت ابدی اسرائیل و عدم بازگشت به مرزهای سال ۱۹۶۷، به این دلیل که بازگشت به آن مرزها امنیت اسرائیل را با خطر مواجه می‌کند» گنجانده بود. (۲۰) به این ترتیب به نظر می‌آید که موضوعی برای مذاکره کردن باقی نمانده باشد.

افزون بر این باراک نیز به وعده‌هایش در مورد توقف شهرک‌سازی و پایبندی به توافقنامه‌های پیشین، عمل نکرده است.

اماروند جدیدی که به نظر می‌آید در دولت وی آغاز شده است، توجه به جلب نظر فلسطینی‌های ساکن قدس و تلاش برای تأمین رضایت و تشویق به گرفتن تابعیت اسرائیلی برای خلع سلاح تشکیلات خودگردان از حربه بازگشت آوارگان می‌باشد.

دیدگاه‌ها و راه‌حلهای پیشنهادی برای آینده قدس

همانطور که گفته شد دیدگاه‌های متضادی در میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها وجود دارد و طرف‌های درگیر در این قضیه نیز (سازمان ملل، ایالات متحده، جهان عرب، دنیای اسلام، مسیحیان و سایر میانجیگران بین‌المللی) دخیلند. در این قسمت به برخی از دیدگاه‌های طرف‌های درگیر به طور مختصر اشاره می‌شود:

۱- **منظر اسرائیلی:** همانگونه که در صفحات قبل ذکر شد، اسرائیل از زمان تأسیس همواره در صدد اشغال کامل قدس بوده است. جنگ ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ فرصت تصرف را مهیا کرد. بعد از تصرف، کوشش اسرائیل به حفظ شهر و به حداقل رساندن امکان باز پس‌گیری شهر توسط اعراب معطوف شده بود. در این مورد همه دولت‌های اسرائیلی متفق‌القول و

هم‌رأی بوده‌اند. از نظر گاه یهودیان افراطی، اساساً در مورد قدس نمی‌توان مذاکره کرد و حفظ شهر با جمعیت یهودی به هر قیمت ممکن، باید در صدد بر نامه‌های دولت باشد و این اساس سیاست اسراییل تاکنون بوده است. این دسته از یهودیان معتقدند در شرایط اضطراری و استثنایی می‌توان در مناطق دیگر کرانه غربی به منظور حفظ قدس، به فلسطینیها امتیاز داد این عده برای حفظ قدس شهرک‌سازی و کوچ یهودیان به قدس را تشویق می‌کنند.

۲- منظر فلسطینی: تفسیر فلسطینی از قدس و تاریخ آن چنین است: نیروهای اسراییلی، برخلاف حقوق بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل، بعد از اشغال کرانه باختری و غزه، شروع به ایجاد تغییرات گسترده در وضعیت دموگرافیک قدس برای از میان بردن امکان بازپس دهی آن آغاز کردند. پس از اشغال، مقامات اسراییلی قدس را پایتخت یکپارچه خود خواندند، فلسطینیان را به حاشیه راندند و یهودی‌سازی شهر را آغاز کردند. آنجا که حکومت خودگردان و دیگر گروه‌های فلسطینی، در آن سطح از توانایی نبودند که بتوانند چانه زنی مستقیم و مقتدرانه با اسراییل داشته باشند، مایلند جامعه بین‌المللی موضع آنها را برای بازپس‌گیری قدس شرقی، طبق قطعنامه‌های سازمان ملل و کنوانسیونهای ژنو و حقوق بین‌المللی - که هر تغییری در وضعیت مناطق تصرف شده را غیر قابل قبول می‌داند - تأیید و به آنها کمک کنند. (۲۱) فلسطینی‌ها معتقدند باید به مرزهای پیش از ژوئن ۱۹۶۷ بازگشت و حاکمیت طرف فلسطینی را بر قدس شرقی پذیرفت.

۳- حاکمیت پراکنده بر شهر: پیشنهادی است که به موجب آن اسراییل بر مناطق همسایه قدس که یهودی‌نشین است و فلسطینی‌ها بر نواحی که عرب‌نشین است حکومت کنند. در این حالت یک سهرداری برتر با منته‌سنای تمرکززدایی شده، آن و یا نو شهرداری که همکاری نزدیکی با هم دارند، به وجود خواهد آمد. (۲۲)

۴- حاکمیت مشترک اسراییل و فلسطینی به صورت مساوی: این طرح شامل یک

شهرداری به صورت مساوی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان است. شهرداری مذکور به طور مساوی توسعه و گسترش مناطق اسرائیلی و فلسطینی را مدنظر قرار می‌دهد. طبق این نظر هر شخصی در شهر، شهروند یک دولت مستقل، (فلسطینی یا اسرائیلی) خواهد بود و در همان حال شهروند قدس نیز خواهند بود. جامعه بین‌المللی که به طور مداوم مخالف پذیرش راه حل یکجانبه اسرائیل برای قضیه قدس بوده است، به نظر می‌آید که از این طرح خشنود باشند، زیرا آنها طرفدار ترتیبات مشترک، با عناصری از بین‌المللی کردن قدس هستند. رهیافت حاکمیت دوگانه * راه حلی برای قضیه قدس به صورت «دو کشور و یک شهر» است، سازمان ملل و شورای امنیت در قطعنامه‌های پیشین خود خواستار حل مسئله به شیوه‌ای خاص ** بودند. بر مبنای این راه حل قدس در واقع تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و مسائل مربوط به آن را سازمان ملل اداره می‌کند. در این وضعیت، شهر حالت بین‌المللی خواهد داشت. این نظر را فلسطینی‌ها و اعراب در همان زمان طرح قضیه رد کرده بودند، ولی در حال حاضر، به نظر می‌رسد در صورت پذیرش اسرائیل به راحتی با آن موافقت کند. هر چند که این راه حل از سوی جهان اسلام مردود است.

۵- پیشنهاد پایتختی ابودیس برای فلسطینیان: در میان گروه‌های طرفدار سازش و سکولار یهودی، عده‌ای معتقدند ابودیس (که زمانی روستایی در خارج از محدوده شهرداری قدس محسوب می‌شد) در حاشیه قدس به عنوان پایتخت دولت فلسطینی که در غزه و بخشی از کرانه غربی تشکیل خواهد شد، به فلسطینی‌ها داده شود تا آنها نیز خود را بازنده مذاکرات به حساب نیاورند و خشم گروه‌های فلسطینی و جهان اسلام برانگیخته نشود. (۲۳) البته این پیشنهاد نیز مقبول طرف فلسطینی نیست و بر تحویل کامل قدس شرقی تأکید می‌کنند.

* Condominium

** Corpus Separatum

طرحی نیز از سوی پرفسور ولید خالدی از دانشگاه هاروارد به عنوان راهکارهایی برای حل مسئله قدس پیشنهاد شده است:

۱- قدس شرقی (با مرزهای گسترش یافته ۱۹۶۷) پایتخت فلسطین و بخش غربی پایتخت اسرائیل باشد.

۲- مرزهای بین قدس شرقی و غربی مطابق خطوط ۱۹۶۷ باشد، اما هر دو راه باز تابع ترتیبات امنیتی مورد توافق باشد.

۳- بخش یهودی شهر کهن - دیوار براق (ندبه) گورستان یهودیان در کوه زیتون - حالت فراسرز مینی خواهد داشت.

۴- تعداد قابل توافقی از ساکنان یهودی در قدس شرقی، به عنوان شهروند اسرائیلی با مناطق خاص خود در شهرداری فلسطین قدس شرقی باقی می ماند.

۵- هر دینی اختیار انحصاری بر اماکن و بناهای مقدس خویش خواهد داشت اما شورایی بین ادیانی باریاست دوره‌ای، هماهنگی میان آنها را افزایش خواهد داد.

۶- اراضی مصادره شده فلسطینی‌ها توسط اسرائیل که هنوز ساختمانی در آنها ساخته نشده است به خود فلسطینیان عودت داده خواهد شد.

۷- برای آوارگان اهل قدس، امکان انتخاب بین دریافت خسارت و یا بازگشت داده خواهد شد.

۸- شهرک های یهودی نشین خارج از مرزهای ۱۹۶۷ در مذاکرات وضعیت نهایی مورد بحث قرار خواهد گرفت. (۲۴)

این طرح البته مقبول طرف اسرائیلی نیست، اما در صورت توافق درباره قدس برای ارائه راهکاری در مورد مسائل جزئی، راهگشاست. هر چند که نمی تواند پاسخگوی انتظارات مسلمانان و جهان اسلام باشد.

در مذاکرات موسوم به وضعیت نهایی که در پاییز ۱۳۷۸ آغاز شد مسأله قدس به همراه

قضایای آوارگان، مرزهای فلسطینی-اسرائیلی و منابع آب یکی از موضوعات مورد بحث بود. در مذاکراتی که تاکنون صورت گرفت است پیشرفت قابل ملاحظه‌ای رخ نداده است و زمانی که مذاکرات به این مسأله رسیده، با بن بست جدی مواجه شده است.

به دلیل مشکلات و مسایل حساسیت برانگیز که قضیه قدس را به عنوان نماد حاکمیت هر دو طرف به حساب می‌آورند، مسأله بیت المقدس یکی از موضوعات حساسی شده است که راه حلی در افق کنونی برای آن نمایان نیست. اخیراً و به خاطر همین مسأله ایهود باراک نخست وزیر اسرائیل پیشنهاد کرده است که این موضوع و مسأله آوارگان (که آن هم ارتباط نزدیکی با این معضل دارد) برای مدتی نامعین و یا مثلاً دوره‌ای پنج ساله به تعویق بیافتند تا در مورد قضایایی مانند تقسیم آب و ... پیشرفت‌هایی حاصل شود، آن گاه این قضایا دوباره مورد بازنگری و مذاکره واقع شود، اما فلسطینیان نگران از آینده شهرک‌سازی و ادامه ساخت و ساز برنامه‌ریزی شده در قدس، با این امر مخالفت ورزیده‌اند. به نظر نمی‌رسد که نگرانی آنها بی‌مورد باشد. اسرائیل در واقع در پی تحقق چنین هدفی است. ایهود اولمرت شهردار قدس نیز اعلام کرده که شورا تصمیم گرفته است محدوده‌ای در شهر قدس ایجاد کند تا تمام سفارتخانه‌های خارجی به آنجا منتقل شوند. وی همچنین گفت: که تصمیم به ساخت مجموعه‌ای از جاده‌ها و راه اصلی و بسیار مهم به منظور تحول و توسعه قدس گرفته است. این در واقع ادامه همان سیاست پیشین شهرک‌سازی و تغییر بافت جمعیتی در قدس است. (۲۵)

از سوی دیگر بعد از بن بست‌های مکرر در مذاکرات وضعیت نهایی، حکومت خودگردان نیز اعلام کرده است که اگر بیت المقدس به عنوان پایتخت یک کشور مستقل فلسطینی پذیرفته نشود، هیچ توافقی در مورد وضعیت نهایی با اسرائیل امضا نخواهد کرد. (۲۶) با توجه به بی‌نتیجه بودن گفتگوهای کمپ دیوید ۲ و شکست این مذاکرات و احتمال آنکه تحولی جدی در این زمینه رخ دهد بسیار اندک است.

اما این امر به زیان طرف فلسطینی است. یعنی طرف فلسطینی در محصه‌ای به دام افتاده است. از یک طرف اگر از موضع خود عقب‌نشینی کند، دیگر موضوعی برای مذاکره و حیثیتی برای مذاکره‌کنندگان باقی نمی‌ماند و از سوی دیگر تأخیر در مذاکرات با عدم نرمشی که از جانب اسرائیل دیده می‌شود مذاکرات و حل مسایل را به تأخیر می‌اندازد. این موضوع به اسرائیل اجازه می‌دهد سیاست دیرینه‌اش را که همانا تغییر وضعیت و بافت جمعیتی قدس به نفع یهودیان است، دنبال و تکمیل کند. اسرائیل بی‌میل نیست که مذاکره بر سر قدس به تعویق افتد زیرا در آن صورت می‌تواند مسأله را آسانتر و پیش از رسیدن به پای میز مذاکرات حل و فصل کند.

طرحی که جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله فلسطین مطرح نموده به نظر می‌رسد پاسخگوی بسیاری از مسایل در مورد بیت‌المقدس نیز باشد. بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین مادری خود و در نهایت پس از تکمیل این بازگشت، انجام رفراندوم در مورد چگونگی اداره سرزمین فلسطین با توجه به ویژگیهای جمعیتی منطقه در آن زمان، می‌تواند مسئله فلسطین و گفتگوهای پیرامون تعیین حاکمیت بر قدس را به سرانجامی در خور توجه برساند.

در طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران بر دو عنصر اصلی که با موازین حقوقی و حقوق بین‌الملل همخوانی دارد، تأکید شده است:

۱- بازگشت کلیه آوارگان فلسطینی به میهن اصلیشان

۲- انجام رفراندوم و نظرخواهی از ساکنان سرزمین فلسطین مبنی بر تعیین نوع

حاکمیت

در مورد عنصر اول باید گفت که آمار فلسطینیهای ساکن اراضی اشغالی در سال ۱۹۴۸ حدود یک میلیون و یکصد و پنجاه هزار نفر است. این تعداد همراه با جمعیت ساکن در نوار غزه (حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر) و کرانه باختری (حدود ۲/۶۰۰/۰۰۰ نفر) میزان جمعیت

موجود در سراسر سرزمینهای اشغالی را به حدود ۴/۹۵۰/۰۰۰ نفر می‌رساند. از سوی دیگر، بر اساس آمار ارایه شده از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در مورد آوارگان فلسطینی، تعداد این آوارگان در کشورهای همسایه و سایر مناطق به حدود ۴/۰۰۰/۰۰۰ نفر می‌رسد که این تعداد صرفاً آمار رسمی و ثبت شده است. با توجه به جمع بین دو رقم یاد شده که در صورت بازگشت آوارگان به سرزمین خود تحقق خواهد یافت، سرزمین فلسطین شاهد جمعیتی در حدود ۹/۰۰۰/۰۰۰ نفر خواهد بود. (۲۷)

در مورد عنصر دوم که عموماً دول غربی، سایر ملتها به ویژه کشورهای جهان سوم را به بی‌توجهی به آراء و نظرات مردم متهم می‌کنند، طرح جمهوری اسلامی با تکیه بر اصول و ایده‌هایی که مورد قبول جامعه بین‌المللی است، ارائه شده است. در این طرح، بر حقوق حقه مردم فلسطین و این موضوع که فلسطینیان - صرف نظر از نوع دیانت آنها - حق تعیین سرنوشت خود را دارند و باید به این حق بر اساس قواعد پذیرفته شده بین‌المللی احترام گذاشت. تأکید شده است. کاربست این طرح که از سایه‌های قوی و غنی دمکراسی برخوردار است، علاوه بر حل قطبی مشکل فلسطینیان، میزان صداقت طرفهای درگیر در موضوع برای حل و فصل عادلانه دیرپاترین بحران منطقه را نشان خواهد داد.

یادداشت‌ها:

- ۱- حمیدی سید جعفر. تاریخ اورشلیم؛ (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴) ص ۳۷.
- ۲- همان، صص ۱۹۷-۱۸۱.
- ۳- موحد خوئی جمیل. مسجدالاقصی و بیت المقدس. (قم: انتشارات نشر کتاب، ۱۳۵۸). صص ۲۳-۲۲.
- ۴- اکرم زعیترو. سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی. (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲) صص ۳۳۱-۳۲.
- 5- [http:// www. Pna. net/reports/jern- UN resol- 1949. html](http://www.Pna.net/reports/jern-UN-resol-1949.html).
- 6- Jerusalem: It's Legal Status and Possibility of a Durable Settlement, [http:// www. Pna net/ reports/ alhaq - jerusalem. htm](http://www.Pna.net/reports/alhaq-jerusalem.htm).

7- Hodgkin, Judaization of Jerusalem. Palestinian Academic Society for the Study of international Affairs (PASSIA), 1996.

۸- هر دو نم حدود ۹۳۶ متر است.

9- Ceoffrey Azonson, Settlements and The Israeli- Palestinian Negotiations: An Overview (Institute for Palestine Studies, Washington Dc: 1996), p. 120.

10- <http://www.Arij.org/paley/Abughnom>

11- Hodgkin, Op. Cit.

12- Ibid.

13- Ibid.

14- jerusalem it's... ibid.

15- Struggle for jersalem, <http://www.passia.org/Jerusalem/publication/S.../AMI-Struggle-for-jerusalem-txt.htm>.

۱۶- مؤسسه مطالعات فلسطینی، سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی ترجمه مرکز مطالعات اندیشه سازان نور (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۲۹۴.

17- Ibid.

18- Ibid.

19- Ibid.

۲۰- خلاصه ای از برنامه های ایهود باراک در انتخابات مه ۱۹۹۹، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره اول.

21- Manuel Hassassiam, Models of Sovereignty and The Question of Jerusalem: Towards A Comprehensive Perspective. <http://www.Pna.Ovglreports/JerusalemSovereigntyHassassian.htm>.

22- Ibid.

۲۳- رویداد و گزارش، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی (ندا)، شماره ۴۹، ۱۳۷۸/۹/۵.

24- Ibid.

۲۵- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۸/۹/۵

26- Jerusalem Post/ 1999/11/21

۲۷- قابل ذکر است بر اساس آمار اعلام شده توسط مرکز آمار اسرائیل در سال ۲۰۰۰ جمعیت یهودیان ساکن در سرزمینهای اشغالی حدود ۴/۸۵۰/۰۰۰ نفر است.